

داروسازی بالینی یکی از رشته‌های تخصصی داروسازی است که در زمینه کاربرد علوم دارویی برای درمان بیماران فعالیت دارد. مهم‌ترین رسالت این رشته ارتقاء تشخیص و مصرف صحیح و منطقی داروها و کمک به بهبود نتایج و پیامدهای درمانی در بیماران است. خدمات تخصصصان داروسازی بالینی در هر دو حیطه بیماران بستری و بیماران سرپایی بوده و متخصصان این رشته با مرور تاریخچه قبلی و فعلی دارودرمانی بیماران، ارزیابی و پایش درمان و نیز مشکلات احتمالی مرتبط با دارودرمانی به استفاده ایمن تر و مؤثر تر داروها کمک می کنند.

کارشناسان معتقدند، برخی از وظایف این متخصصان بررسی تاریخچه دارویی بیمار،ارائه مشاوره‌های مرتبط با دارودرمانی و پزشکان و سایر اعضا، تیم درمانی،نظارت بر تجویز منطقی دارو، نظارت بر مصرف صحیح دارو توسط بیمار،بررسی عوارض جانبی داروها و گزارش آنها، پیگیری غلظت‌های دارویی در بیماران برای جلوگیری از سُمومیت‌ها، دستیابی به دوز

♦♦♦♦♦

***دکتر جمشید سلام‌زاده - رئیس انجمن داروسازان بالینی ایران:** هر اختلافی که در نقشه‌های ژنتیکی وجود دارد باعث می‌شود که ابتلا به بیماری‌های با پاسخ در مان‌ها و عوارض ناشی از در مان‌ها متفاوت شود از این رو بعضی از وقت‌ها شاهد هستیم که بیماری با مصرف یک داروی خاص بهبود پیدا می‌کند ولی بیمار دیگر مداو امنی‌شود و یا دارای عوارض خاصی می‌شود

***دکتر خیراله غلامی- متخصص دارو ساز بالینی:** در حال حاضر ۳۰۰ قلم دارو برای تجویز نیاز به نسخه‌ندار دو دارو ساز باید با عوارض دارو‌ها آشنا باشند و اطلاعات دارویی را به بیمار ارائه دهد

*** دکتر شادی ضیایی دبیر اجرایی دهمین همایش داروسازان بالینی:** داروسازی بالینی به نسبت تخصص‌های دیگر داروسازی رشته جدیدی است و چون آن دارو ساز فاصله می‌گیرد و وارد پزشکی می‌شود خواه ناخواه یکسری چالش‌های خاص خودش را دارد

***دکتر فرزانه داستان - دبیر علمی دهمین همایش دارو سازان بالینی:** در سال‌های اخیر رشته دارو سازی بالینی از رشته‌های تخصصی و پیشرفته داروسازی بوده است که توانسته است در حیطه‌های مختلف دارو در مانی، مصرف دارو، الگوی صحیح مصرف دارو و فعال باشند و توانسته است در زمینه آموزش به داروسازان و هم‌در حیطه‌های پژوهشی گام‌های بزرگی را بردارد

♦♦♦♦♦

صحیح درمانی و در مجموع کمک به بهبود نتایج درمان و کاهش مدت بستری شدن بیماران است.

آنان معتقدند، این رشته علیرغم فواید زیادی که در تأمین سلاست بیماران دارد هنوز در کشور رنجافته است و متخصصان این رشته با مشکلات زیادی روبرو هستند. دکتر جمشید سلام‌زاده، رئیس انجمن داروسازان بالینی ایران در مورد داروسازی بالینی به گزارش تاق‌ت و گوی‌ی داشته باشیم با متخصصان و کارشناسان این رشته که در پی می‌آید.

استفاده از علم دارو درمانی

دکتر جمشید سلام زاده، رئیس انجمن داروسازان بالینی ایران در مورد داروسازی بالینی به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: دهمین همایش دارو سازی بالینی

ایران با شعار دارو درمانی برگزار می‌شود و این در حالی است که در این همایش جدیدترین دستاوردها مطرح می‌شوند. وی با بیان این مطلب که استفاده از علم دارو درمانی شخصی‌شده و آثار مثبتی در روند درمان به دنبال دارد می‌افزاید: دارو سازان بالینی بر اساس خصوصیات بیمار، بهترین رژیم درمانی را برایش در نظر می‌گیرند و داروهای مناسب را تجویز می‌کنند. اگر چه به صورت کلی هم بر اساس نوع بیماری دارو تجویز می‌شود ولی تفاوت در تشخیص دارو سازان بالینی این است که آنان به خصوصیات ژنتیکی بیمار استناد می‌کنند.

در حال حاضر دو دسته از عوامل را در رژیم دارویی بیماران در نظر می‌گیرند که یکی خصوصیات مرتبط با بیمار مانند: سن،جنس،شدت بیماری، بیماری‌های هم‌زمان،فعالیت کبدی و کلیوی است و دیگری عواملی هستند که به دارو مربوط می‌شوند مانند: تداخلات دارویی و عوارض ناشی از دارو که این عوامل باعث می‌شوند بهترین دارو برای بیمار انتخاب و تجویز شود.

در اثر بخشی داروی خاص با ژن مربوطه می‌شود که ابتلا ما به بیماری‌ها پاسخ درمان‌ها و تداخلات ناشی از درمان‌ها متفاوت شود. از این رو بعضی از وقت‌ها شاهد هستیم که بیماری با مصرف یک داروی خاص بهبود پیدا می‌کند ولی بیمار دیگر مداو امنی‌شود یا دارای عوارض خاصی می‌شود. به طور کلی بخش زیادی از این مساله به اختلافات ژنتیکی (چند ریخته‌ای و نوکلئوتیدی)بر می‌گردد. پیشرفت دیگری که صورت گرفته است در زیست‌شناسی است که کار شناسایی اختلافات ژنتیکی بین انسان‌ها را در آزمایشگاه‌های

جایگاه ایران در دارو سازی بالینی



گروهی از متخصصان داروسازی بالینی در حال کار در آزمایشگاه.

ژنتیک مشخص می‌کند. وی با بیان این مطلب که خصوصیات ژنتیکی یک بیماروری زیست تراشه‌ها وجود دارد و پیر اساس آن دارو درمانی مناسب انجام می‌شود می‌گوید:مانمی‌توانیم به این زودی نقشه ژنتیکی افراد را مشخص کنیم زیرا که در ابتدای راه هستیم اما در حال حاضر سازمان غذا و داروی آمریکا پیش از ۱۵۰ قلم دارو را مشخص کرده که نه تنها بر اساس نقشه ژنتیکی بیماران می‌تواند عوارض احتمالی دارو را روی بیماران پیش‌بینی کند بلکه اثر بخشی دارو را هم مشخص می‌کند. این کار باعث می‌شود جلوی هزینه‌های دارو درمانی اضافی گرفته شود.

در حال حاضر اگر بخواهیم نقشه ژنتیکی بیماری را تعیین کنیم باید امکانات و تجهیزات لازم برای این کار وجود داشته باشند. کیت‌ها و چیپ‌هایی که محصول شناسایی ژنوم‌های خاص هستند باید باشند تا بر اساس آن بگویم که بیمار چه ویژگی

بصورت روتین انجام نمی‌شود و فعلا هم در جای خاصی انجام نمی‌شود. متخصصان این رشته با همکاری بیمارستان طالقانی تحقیقاتی را انجام داده‌اند و این در حالی است که این تحقیقات هر چند بهای بالایی دارند. همه دستگاه‌ها و افراد باید در زمینه اهمیت این برنامه توجه شوند. ضمن اینکه ضرورت دارد زیر ساخت‌های نرم افزاری و سخت افزاری آن نیز فراهم شود تا چنین هدفی به مر حله اجراییسد

دکتر سلام زاده بیان این مطلب که پرونده ژنوم انسانی در کنار پرونده الکترونیک سلامت افراد، می‌بایست قرار بگیرد تا بتوان روند درمان را با موفقیت بیشتری پیش برد تأکید می‌کند: با توجه به تجربه‌ها برای اندازه‌گیری ژنوم‌های خاص در افراد دچار مشکل هستیم و همچنین برای تهیه کیت و چیپ‌ها هم دارک داریم. کانی

وی در پاسخ به این پرسش که وضعیت مصرف دارو در ایران چگونه است می‌افزاید: مردم ما هم پی‌پروا دارو مصرف می‌کنند و هم از مصرف دارو خیلی می‌ترسند. کافی است در مورد یک دارو گفته شود که مشکل دارد و همین سأله باعث قطع دارو از سوی بیمار می‌شود، در حالی که این تصمیم بدون

اطلاع و آگاهی درست نیست. در عین حال ما جمع‌های هستیم که وقتی یک نفر به ما برای مصرف یک دارو توصیه‌ای می‌کند، آن را می‌پذیریم. رئیس دهمین همایش داروسازی بالینی ایران، با تأکید بر اینکه قیمت دارو در دسترس افراد از آن است یاد آوری می‌کند: متأسفانه این وضعیت باعث شده تا صنعت داروسازی کشور دچار مشکل شود.

ارتباط نزدیک داروسازی بالینی با بیماران
دکتر شادی ضیایی، متخصص داروسازی بالینی می‌گوید: دارو سازی بالینی یک رشته تخصصی از رشته داروسازی است که صنعت داروسازی کاملاً جداست.

وی با اشاره به این مطلب که فعالیت داروسازان بالینی در بیمارستان‌ها است و در ارتباط کلینیک بیماران و دارو درمانی است می‌افزاید: بیماران ارتباط خیلی نزدیک و مستقیمی با داروسازان بالینی دارند زیرا که آنان روی داروهایشان نظر می‌دهند.

دبیر اجرایی دهمین همایش داروسازان بالینی خاطر نشان می‌کند: داروسازی بالینی به نسبت تخصص‌های دیگر داروسازی رشته جدیدی است و چون از دارو سازی فاصله می‌گیرد و وارد پزشکی می‌شود، خواه ناخواه یکسری چالش‌های خاص خودش را دارد. هر چه نسبت به گذشته تعداد کسانی که در این رشته فعالیت می‌کنند افزایش پیدا کرده است اما نه تنها یکسری از چالش‌های اولیه حل نشده بلکه یکسری چالش‌های جدید هم به آن افزوده شده است.

وی با بیان این مطلب که در سال‌های قبل هیچ دارو سازبالینی مستقیم در بالین بیمار حضور نداشت و جزو تیم درمانی هم نبود می‌گوید: خوشبختانه امروزه این مساله در بیمارستان‌ها عادی شده است. این کار از بیمارستان‌های دولتی شروع شده است و الان حضور دارو ساز بالینی در بیمارستان خصوصی هم مطرح است و وارد جایگاه خودش را پیدا می‌کند. بهر حال زحمتی که این گروه می‌کشند با پرداختن‌هایشان هماهنگ نیست و بسیار اندک است.

پیشرفت در داروسازی بالینی

دکتر فرزانه داستان، دبیر علمی دهمین همایش دارو سازان بالینی نیز به گزارشگر روز نامه اطلاعات می‌گوید: در سال‌های اخیر رشته دارو سازی بالینی از رشته‌های تخصصی و پیشرفته دارو سازی بوده است و توانسته است در حیطه‌های مختلف دارو درمانی، مصرف دارو و الگوی صحیح مصرف دارو فعال باشند و توانسته است در زمینه آموزش به داروسازان و هم در حیطه‌های پژوهشی گام‌های بزرگی را بردارد. وی می‌افزاید: کشور ما در زمینه دارو سازی بالینی پیشرو است اگر چه رشته نوپایی است ولی محققان ما پیشرفت‌های زیادی داشته‌اند. به طوری که ما در حیطه‌های مختلف دارو درمانی، کاهش عوارض دارویی و برای بیمار بهترین انتخاب دارویی را داریم. هدف ما این است که مناسب‌ترین دوز دارو و تنظیم آن را داشته باشیم و دارویی را انتخاب کنیم که کمترین عارضه و تداخلات دارویی را برای بیمارانی که دارو را مصرف می‌کنند داشته باشد و خوشبختانه ما توانسته‌ایم گام‌های بزرگی را در این راه برداریم.

پیتامهدوی

سه‌شنبه ۱۸ تیر ۱۳۹۸ - ۶ ذی القعدة ۱۴۴۰ - ۹ جولای ۲۰۱۹ - سال نود و سوم - شماره ۲۷۲۳۴



گروهی از متخصصان داروسازی بالینی در حال کار در آزمایشگاه.

تاریخچه داروسازی بالینی

داروسازی بالینی یکی از شاخه‌های داروسازی است که در ایران از رشته‌های تخصصی داروسازی محسوب می‌شود و بیشتر در زمینه مشاوره دارویی برای پزشکان فعالیت دارد. پزشکان متخصص می‌توانند پاسخ سوالات تخصصی دارویی خود را از داروسازان بالینی دریافت کنند. این رشته نیز مانند رشته پزشکی به زیر شاخه‌های متعدد از قبیل کودکان، عفونی، داخلی، مراقبت‌های ویژه و غیره تقسیم می‌شود. امروزه در دنیا به تعداد تخصص‌های پزشکی موجود، تخصص‌های داروسازی بالینی به وجود آمده است. هدف از این رشته «مصرف بهینه دارو» یا به عبارتی جایگزین کردن داروهای تجویز شده با داروهای بهتر، کاهش مصرف اقلام دارویی، تغییر مفاد مصرف دارو (کم یا زیاد کردن مقدار مصرف دارو) می‌باشد. مصرف بهینه فقط کم مصرف کردن نیست بلکه درست مصرف کردن است.

برخی از وظایف این گروه از متخصصان عبارتند از: بررسی تاریخچه دارویی بیمار، نظارت بر مصرف صحیح دارو توسط بیمار، بررسی عوارض جانبی داروها و گزارش آنها، پیگیری غلظتهای دارویی در بیماران برای جلوگیری از سُمومیت‌ها، دستیابی به دوز صحیح درمانی (پاشق) و کم کردن مدت بستری شدن بیماران و ارائه مشاوره دارویی به پزشکان.

داروسازی رشته‌ای بالینی است، زیرا داروساز با بیمار سرو کار دارد و آخرین نتیجه تجزیه درمانی است. داروخانه محلی است که در آنجا داروساز می‌تواند اطلاعات لازم را در اختیار بیمار قرار دهد تا با مصرف صحیح دارو به نتیجه مطلوب در مان‌ی دست یابد. از همین رو، یکی از اهداف گروه داروسازی در دراز مدت این است که دوره عمومی داروسازی را به سمت داروسازی بالینی سوق دهد تا داروسازانی که به مردم خدمات دارویی ارائه می‌دهند، کارایی لازم برای پاسخگویی به سوالات بالینی بیماران را داشته باشند و در ضمن بتوانند با پزشکان ارتباط بهتری برقرار کنند و تبادل نظر نزدیک‌تری با پزشکان و سایر حرف پزشکی داشته باشند. اینها همه، با تغییر در آموزش داروسازی مقدور خواهد بود. در برنامه ریزی آموزش داروسازی که دو سال گذشته مورد بازنگری قرار گرفته است، آموزش موادی تحت عنوان «داروسازی جامعه‌نگر» منظور شده است که در آینده به اجرا در خواهد آمد.

داروساز بالینی می‌تواند خدمات بسیاری در سطح بیمارستان‌ها ارائه دهد. در حال حاضر در کشور ما در برخی از بیمارستان‌های تهران از جمله بیمارستان دکتر شریعتی، بیمارستان رازی و تا حدودی در بیمارستان امام خمینی این خدمات با همکاری پزشکان و داروسازان ارائه می‌شوند.

مشکل داروسازی در کشور ما عدم توسعه داروسازی بیمارستانی است. داروخانه‌ها، بیشتر شبیه انبار دارویی هستند و بیمارستان‌ها برای ارائه خدمات دارویی در داروخانه‌هایشان سرمایه گذاری نکرده اند، در نتیجه این موضوع در ارائه خدمات بالینی اثر منفی به جای گذاشته است، زیرا برای داشتن خدمات دارویی بالینی خوب، ناچار به داشتن داروخانه بیمارستانی خوب و همچنین بیمارستانی هستیم. بیمارستان‌ها برای سرمایه گذاری روی داروسازی بالینی و داروسازی بیمارستانی به دلیل کاهش مدت بستری بیمار در بیمارستان، بازگشت نیروی کار به جامعه، و مصرف بهینه دارو و کاهش هزینه‌های دارویی، از کل هزینه‌های درمانی کاسته خواهد شد.

ایالات متحده آمریکا پایه گذار رشته داروسازی بالینی در دنیا است و در حال حاضر به ندرت بیمارستانی را می‌توان در این کشور یافت که سیستم داروسازی بالینی و بیمارستانی در آن پیاده نشده باشد. در کشور ما نیز نیاز یک دهه قبل، متخصصان داروسازی بالینی گرد هم آمده موفق به تأسیس گروه داروسازی بالینی شده‌اند که در این مدت نیز علاوه بر حضور در بیمارستان های آموزشی و ارائه خدمات دارو- درمانی، موفق به پذیرش و تربیت دستیاران تخصصی داروسازی بالینی شده اند. در طول دهه های گذشته، داروسازان در کشورهای پیشرفته دنیا به ویژه آمریکا، اروپای غربی و نیز استرالیا، شروع به یک حرکت علمی- حرفه‌ای در جهت خروج از واحد داروخانه بیمارستان و حضور در بخش های بالینی به منظور مشارکت و مشاوره مستقیم و نه مداخله در تصمیم گیری های دارو درمانی بیماران کرده‌اند. در متداول ترین حالت، داروساز باید در بیمارستان با حضور در بخش های بالینی، پایش چارت های دارویی و ارائه مشاوره به بیماران، پرسنل پرستاری و پزشکان در رابطه با داروها و عوارض احتمالی آنها، ارائه خدمات مراقبت های دارویی را عهده دار است.

این داروسازان همچنین با شرکت در راندهای بخش های می‌توانند در تصمیم گیری های مرتبط با دارو درمانی بیمار موثر واقع شوند و با مشارکت در ارائه مشاوره در کلینیک های بیماران سرپایی یا بیماران در حال ترخیص نیز مصصرف داروی بیمار را بهینه کرده و خطرات ناشی از مصرف آن را به حداقل برسانند. داروسازان بالینی باید، توانایی برقراری ارتباط سالم و سازنده با بیمار، تجزیه و تحلیل نسخه، رژیم دارویی بیمار، بررسی روند درمانی و ارائه طرح مراقبت های دارویی برای بیمار به خصوص بیماران با بیماری مزمن و گروه های سنی خاص را داشته و در جهت به حداقل رساندن تداخلات و عوارض دارویی نامطلوب با ارائه اطلاعات به بیمار و پزشک معالج و ارائه گزارش موارد خاص دارویی به مراجع مربوط، تلاش لازم را انجام دهند.

آگهی مزایده فروش املاک باغات زیتون هندی کندی و چم چغور (نوبت اول)
شرکت کشت وصنعت ودامپروری و مرغداری دشت خرم دره در نظر دارد نسبت به فروش املاک باغ‌های هندی کندی و چم چغور با مشخصات و قیمت پایه کارشناسی مندرج در جدول زیر از طریق مزایده اقدام نماید.

نام باغ	مساحت (هکتار)	نوع مالکیت	موقعیت باغ	قیمت پایه کارشناسی (ریال)
هنی کندی	۱۰/۸	سند تکبرگ کش دناگ	شهرستان طارم روستای هندی کندی	۲۷/۶۲۵/۰۰۰/۰۰۰
چم چغور	۱۳/۲	سند تکبرگ کش دناگ	شهرستان طارم روستای زهر آباد	۶۴/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰

زمان بر گزاری مزایده: روز یکشنبه مورخ ۳۰ تیرماه ۹۸ ساعت ۹ صبح

مکان بر گزاری مزایده: استان زنجان - شهرستان طارم - گیلوان - باغ شهید مطهری کشت و صنعت خرم دره

از متقاضیان دعوت می‌شود جهت بازدید و دریافت فرم شرکت در مزایده به دفتر مکان برگزاری مزایده (باغ شهید مطهری) مراجعه نمایند.

متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۰۹۱۲۴۵۸۳۵۲ آق‌ای کازلمی و ۰۹۱۲۷۷۲۴۵۷۰ آق‌ای یزدانی با شماره ثابت ۰۲۴۳۵۵۲۹۹۰۴ (دفتر مرکزی شرکت) تماس حاصل نمایند.

نام باغ	مساحت (هکتار)	نوع مالکیت	موقعیت باغ	قیمت پایه کارشناسی (ریال)
۲۳۷۱۶				

افقی:

۱											۱- اثر تاریخی مصر - مالک
۲											۲- عنصر فلزی رادیو اکتیو - پهنارو
۳											۳- حمله - نیروی زندگی - بدینا آوردن - رجحان
۴											۴- جسای مورد احترام - ضربه خور چکش - به
۵											۵- موقع - جوانمرد
۶											۶- پوست دباغی شده - متحیر و سرگشته - نویسنده
۷											۷- نوروزی خانه عروسک
۸											۸- وجود نداشتن - همچنین - نت آخر - حرف گزینش
۹											۹- تبتل - بیماری - خشکی و ضعف اعصاب را گویند
۱۰											۱۰- رسته - تجویز پزشک - فرومایه - الفت
۱۱											۱۱- خلیج شمرق - مد پترانه و شهری در ترکیه - جای
۱۲											۱۲- کم زرف رودخانه
۱۳											۱۳- پیشوند نفی - لنگه - بدگوی شعری - عایدی
۱۴											۱۴- بزرگواری - قایق کوچک چوبی - فایده
۱۵											۱۵- سمت - دیوار بلند - پست - اندوه و گمان
۱۶											۱۶- بی تاثیر و غیر موثر - تردید - نهر - راه بی پایان
۱۷											۱۷- ظاهر و باطن یکی - دوران نویسنده زمین شناسی
۱۸											۱۸- آشکار - دستگاهی برای اندازه گیری جریان برق

عمودی:

۱- مورد آزمایش قرار دادن - پزشک	۲- باد شدید بر خیزش - قهرمان لیگ جهانی والیبال	۳- علامت مغولی - اشتها را تحریک می‌کنند - جرمه روزه نگرفتن	۴- بالاترین نقطه - الگو - پوشش - غاری در نزدیکی مکه
---------------------------------	--	--	---

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱ ع د ا و ت خ ت س ل ی م ا ن	۲ ق و س ز ج ا و ت خ ت س ل ی م ا ن	۳ ل ر د ا و ت خ ت س ل ی م ا ن	۴ ا م و ت خ ت س ل ی م ا ن	۵ ن ب و ت خ ت س ل ی م ا ن	۶ د ی ق و ت خ ت س ل ی م ا ن	۷ ن س ن ف م ا و ت خ ت س ل ی م ا ن	۸ ا ش ا ت ش د ر خ ا ن ک و ت خ ت س ل ی م ا ن	۹ س و ت ر س ن ا د ب و ت خ ت س ل ی م ا ن	۱۰ ت ک ن ق ی م ل م ک م ش ی ر ا ن	۱۱ س ا و ر ی ک س ا ع ا و ر و و ش ن	۱۲ ف و ا و ت خ ت س ل ی م ا ن	۱۳ ا ب ب ن ب ا و ت خ ت س ل ی م ا ن	۱۴ ه ا ج ا و ت ر س ت م و ل د ی ا ن	۱۵ ت د ر ی ک ا و ت ر د ن ا ل ی ن

جدول ۲۳۷۱۵

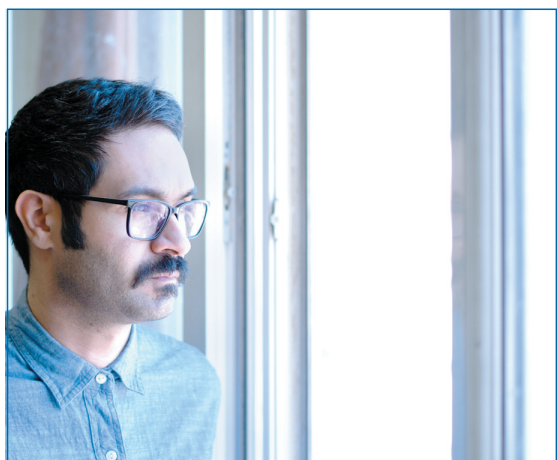
۱- کلام الزام آور، ضروری بود - مدرن

۲- صورت ها - مسقط - بر کشت می‌زنند - دشمن فرشته

۳- ویرانگر لحظه ها (فشار روحی) - به خاطر آورنده - زیادت نیست

۴- سرگشگی - پر آوازه

۵- داری احتمال کم، درواز انتظار - دل شکسته



گفت وگو با مترجم

کتاب «۱۰۱ باید در مسیر هنرمند شدن»

بنیادی ترین آموزه ها در

هنرهای تجسمی



۴۹۹

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات

سه شنبه ۱۸ تیر ۱۳۹۸ - سال نودوسوم - شماره ۲۷۳۲۴

موج شادی روی خط کرمانشاه

درباره دومین جشنواره
پویانمایی و برنامه های عروسکی



نگاهی دیگر به رمان «زلیخا چشمانش را باز می‌کند»

● سید حسین طباطبائی*

زلیخا چشمانش را می‌بندد!



«زلیخا چشمانش را باز می‌کند» اثر گوزل یاخینا نویسنده تاتار، رمانی که تحسین بسیاری را در روسیه برانگیخت و با دریافت دو جایزه مهم ادبی «کتاب بزرگ» و «یاسنایا پالیانا» به مهم ترین افتخارات ادبی در این کشور نیز نائل آمد، به قلم روان و ترجمه خوب خانم زینب یونس، کتابخوانان ایرانی را با فاصله ای نسبتاً کوتاه از انتشار اصل اثر، با نمونه ای برجسته از ادبیات معاصر روس آشنا ساخت.

اتفاقی که فی نفسه امری میمون و مبارک است و از این بابت باید به مترجم این کتاب دست مرزاد گفت که پیش از این نیز با ترجمه «استالین خوب» از حضور مترجمی که به شناخت خوبی از نیاز زمانه اش دست یافته و همت خود را معطوف معرفی آثار برگزیده و جریان ساز ادبی در روسیه معاصر به کتابخوانان ایرانی ساخته است، خبر داده بود.

در تاریخ ادبیات روسیه می‌توان از شاعران و نویسندگانی نام برد که اصالتاً غیر روس بوده، ولی سهمی چشمگیر و ماندگار در ادبیات روسی داشته‌اند. فاضل اسکندر ایرانی آبخازی، چنگیز آیتاموف قزاق، رسول حمزه توف داغستانی، سرگی دولت اوف تاتار، موسی جلیل تاتار و تیمور ذوالفقار تاجیک از جمله معروف ترین‌های این چهره‌های ادبی اند که شمارشان کم نیست. گوزل یاخینا را با آثاری که در عرصه ادبیات روسی پدید آورده و پس از درخشش خاص رمان «زلیخا چشمانش را باز می‌کند»، رمان بعدی‌اش «بچه‌های من» نیز با اقبال گسترده اهالی ادبیات روس مواجه شده است، باید به این سیاهه افزود و وی را در ذیل نویسندگان غیر روس مقبول و ستایش شده در روسیه به شمار آورد. این امر به ویژه برای جامعه تعددالاقوامی چون روسیه که قریب به دوپست قومیت را در سرزمین پهناور خود جای داده است، شایان اهمیت و واجد معانی بسیاری است.

رمان زلیخا از نظر ادبی، واجد بسیاری از ویژگی‌هایی است که اثری را هم مقبول طبع مخاطب عام می‌سازد و هم سلیقه مخاطب خاص و حرفه‌ای ادبیات داستانی مدرن را برآورده می‌کند. خط داستانی یا پیرنگ پرداخت شده، شخصیت پردازی‌های موفق، تعلیق‌های گاه و بی‌گاه که بر جذابیت کتاب برای مخاطب عام ادبیات داستانی می‌افزاید و نماد پردازی‌های استادانه، بهره‌گیری از اساطیر و استعارات چندلایه از جمله ویژگی‌های این رمان است که مخاطب خاص و حرفه‌ای ادبیات را از خود نسبتاً راضی نگه می‌دارد. در باب ویژگی‌های ادبی و زبانی رمان، سخن بسیار می‌توان گفت که البته به بضاعتی بیش از صاحب این قلم نیاز است و فراغت و فرصتی مستوفای طلبد.

نگارنده علاقه مند است از منظری دیگر به رمان «زلیخا چشمانش را باز می‌کند» و قدر دیدن و بر صدر توجه‌ها نخستن آن در جامعه ادبی روسیه بپردازد. جامعه ای که اهالی فن به خوبی از سخت‌گیری‌ها و حساسیت‌هایش به ویژه در حوزه نوشتار روسی آگاهند و به سادگی نماینده ای از دیگر قومیت‌ها را در این عرصه به رسمیت نمی‌شناسند.

رمان به قلم بانوئی تاتار و مسلمان به رشته تحریر درآمده است و با این که در زمان انتشار اولیه، اثری از نویسنده ای نه چندان نام‌آور بود، در مدت کوتاهی به یکی از محبوب ترین آثار داستانی در روسیه مبدل شد و مهم ترین جوایز ادبی این کشور را کسب کرد.

چراغی قدر دیدن این رمان در روسیه امروز، از نگاهی دیگر نیز قابل بررسی و تأمل است که نگارنده صرفاً به منزله در انداختن نوعی نگاه متفاوت و البته مبتنی بر پاره ای واقعیات جامعه شناختی فدراسیون روسیه، ضمن طرح آن علاقه مند است تا از دیدگاه پژوهشگران مطالعات روسیه شناسی در این باب بهره گیرد.



با دکتر دینانی در جهان مولانا

کیمیای عشق

کریم فیضی

انسان و معیشت

آقای شفیع کدکنی می‌گفت در سال ۱۳۴۸ خانه‌ام را با وام خریدم ۲۴۰ هزار تومان، الآن می‌گویند متری ۱۲ میلیون تومان! عین اتفاق در طلا و نقره و لباس و غذا هم روی داده است! بفرمایید آیا جای دیگری را می‌شناسید که چنین اتفاقی در آن با این کیفیت روی داده باشد؟ اینکه دنیا به امور مادی و طبیعی و مالی اهمیت می‌دهد، واقعیت است، چون امری طبیعی است. قرآن به طور رسمی دستور می‌دهد که: لاتنس نصیبک من الدنیا. یا در سوره‌ای دیگر از مال به‌عنوان قوایم زندگی یاد می‌کند: لاتؤتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاماً (سوره نساء، آیه ۵)

در اینکه زندگی نیازمند معیشت و هزینه‌های مادی و مالی است، شکی نیست. خواسته‌ها معقول و مشروعه‌اند، اما خواسته حد دارد. مگر یک انسان چقدر می‌تواند بخورد و بخوابد؟ یک انسان برای زندگی به چند خانه نیاز دارد؟ مگر می‌تواند در ۱۰ جا منزل گزید؟ آیا می‌تواند بیش از ۵ وعده غذا خورد؟ می‌توان غیرعادی لذت‌طلبی کرد؟

عیار خواسته‌ها با ضرب و تقسیم به دست می‌آید و می‌توان با میزان عمر یک انسان، تشخیص داد که یک انسان به طور متعارف و حتی نامتعارف به چقدر پول نیاز دارد! ما اشخاصی را ملاحظه می‌کنیم که اگر به اندازه دو قرن بخورند و تفریح کنند و بگردند، پول دارند ولی باز هم می‌خواهند! در همه جای دنیای افراد معدودی چنین‌اند و قبلاً سوئیس و حالا انگلیس لانه این قبیل موجودات است ولی سرایت این موضوع به همه مردم یک کشور نگران‌کننده است. این چه مسابقه‌ای است که قیمت خانه و ملک و زمین و لوازم متعارف زندگی در هر ۳ الی ۴ سال دو برابر بشود؟ مگر این حالت جایی برای زندگی و آرامش و تعادل و اندیشه می‌گذارد؟

اشکال خوبی مطرح کردید ولی من جواب شما را در پاسخ قبلی داده‌ام. حرف من این بود که دنیا مادی است و از عالم واقعی منقطع شده است. انسان امروز همه‌چیز را در زمین می‌جوید و می‌یابد. انسان قدیم امکانات انسان امروز را نداشت. انسان جدید با ابزار علم کارهای وحشتناکی انجام می‌دهد که به عقل ما خطور هم نمی‌کرد. شما امروز با همین گوشی و اینترنت‌تان از این سرجهان به آن سرجهان می‌روید. این کارها در کل تاریخ بشر بی‌سابقه است. دستیابی‌های جدید حرص بشر را بیشتر کرده است.

اما باز گردیم به اشکال اساسی شما و آن این است که ما تندتر از دنیا داریم حرکت می‌کنیم. بله، دنیا قانع است و معقول رفتار می‌کند ولی ما نامعقول عمل می‌کنیم. عیش این است که دیگران صادقانه از دنیا و کشف دنیا حرف می‌زنند و برای دنیوی بودن، روابیشان را با عالم و نحو معقول تنظیم می‌کنند. رواب معقول، جزو دنیاست. اگر روابط من با خانواده، دوستان و همسایگانم معقول نباشد، به نتیجه مطلوب نمی‌رسم. دیگران چون در کشف طبیعت عاقلند، در کشف جامعه هم عاقلانه عمل می‌کنند و روابط خودشان را معقولانه تنظیم می‌کنند، آرام زندگی می‌کنند و حرص نمی‌زنند. در حالی که جامعه ما همین اصل را که دنیا مهم و لازم است، گرفته ولی سرپوشی از معنویت روی آن گذاشته است.

بحث مهم، بحث امنیت است. وقتی امنیت کافی نباشد، اتفاق‌های عجیبی می‌افتد و هزینه‌ها به طرز سرسام‌آوری بالا می‌رود. وقتی روابط معقول نباشد، امنیت سلب می‌شود. ما مطمئنانه لازم را نداریم و احساس امنیت به حد کفایت نیست. از یک سو خواسته‌ها وجود دارد، از سوی دیگر امنیت کافی نیست. نتیجه این می‌شود که حرص زیادت می‌گیرد. با زیادت حرص هم فرمایشات جناب عالی به نواحسن تحقق پیدا می‌کند. این پاسخی است که در جواب اشکال شما می‌توانم بگویم.

*وابسته فرهنگی پیشین ایران در روسیه





دلوخته های آهان آهان دار
محبوب صالح علا

۷۹

چه به موقع گل‌ها در آمدند!

تو بی‌وقفه با منی؛ یک هستیدن ابدی و فعال عشقی که نه در خیال و نه در دل پر نمی‌شود. همیشه باز جایی برای بیشتر دوست داشتن وجود دارد. در روزهای آینده زندگانی هست.

عشق تو ساحتی است که نه به محاکات ارسطویی که شکل پُرش در طبیعت‌گرایان است می‌ماند و نه به انتزاع‌های هندسی‌وار افلاطونی. عشق تو کمی شبیه اشکال متقارن است و چکیده‌ای از آنچه در اسلیمی‌ها و خُتایی‌ها و ترنج‌هاست. تنم تنوری است که راه می‌رود شما را می‌جوید و شما را می‌خواند.

محبوب! چه به موقع گل‌ها در آمدند، باران‌ها ریختند و آفتاب طلوع کرد و شما را تماشا کردم. من گاهی شما را از ورای شکوفه‌های گیلاس، از ورای کبوتر چاهی می‌بینم. عشق شما عالم را جام‌جم نموده است.

محبوب! جان من با راه تو ترکیب شده؛ مثل قاطی شدن دو قطره باران. از هنگامی که با توام، همه چیزها سر جایشان قرار دارند. همه چیزها بر مدار خویش می‌گردند. من سرسپردام به عشق. وقتی عاشقم همه را می‌بینم غیر از خودم.



محبوب! می‌آیی و دستم را می‌گیری و به بهشت خصوصی خودت می‌بری. دیگر زمستان نیست، دیگر در آرزوی شنیدن صدايت نمی‌لرزم. لباسی که از بلور یخ به تن داشتیم را در آوردم، یاد تو را با باد رهگذر گفتم.

بیا کیسوان مرا پریشان کن. با دود کندر بی‌الای. هنگامی که خطری جسمم را تهدید می‌کند روحم را که لبریز شماسست در جعبه‌ای امن می‌گذارم و در گوشه‌ای پنهان می‌کنم تا وقتی خطر از سرم گذشت، به سمت شما بازگردم.

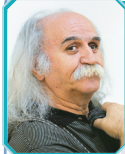
جان من پر شده از شماسست، در شیشه درسته‌ای است. مثل جان دیو که در شیشه است که چون بخوانند او را بکشند شیشه را پیدا کنند، بشکنند و جان دیو را بگیرند. من هم روحم را در شیشه‌ای کرده‌ام. روحی که لبالب و لبریز شماسست، تنها ۲۱ گرم.

عشق شما دو خاصیت دارد؛ مثل دارویی که هم شفابخش است و هم مرگ‌زا و کشنده. شما شیشه عمر منید.

ای یاران من که عازم عالم نازید در شب‌های فشرده! یاد شما فصل‌ها را جابه‌جا می‌کند. هر چه پنجره بسته باشد و دیوارها را زرداری کنند، باز هم یاد شما نازنین‌ها و دلتنگی من افشاء می‌شود.

غم دوری شما چون پیراهنی حریر و تیره، ما را پوشانده است. تو شادمان بودی، در حالی که دلم گرفته و زیاد شما را گریه می‌کنم. من پرنده نیستم. دوری شما بال بال زدن به من آموخته است. به شما که فکر می‌کنم بیکراری در رویاهایم رخنه می‌کند. امروز تبدیل به کبوتری شدم در جانم که بال‌بال می‌زند.

من به یاد توام، تو هم با یاد من باش! آدمی در روزها بزرگ‌تر است. آدمی سن و سال متغیری دارد. من امروز پاهایم هجده ساله‌اند، دست‌هایم بیست و پنج سال دارند، موهایم سی و شش ساله‌اند، چشم پنج‌ده و دو سال دارد، سینه‌ام نود و پنج سال. وقتی با شما هستم مثل حالا دلم کوچک است. اما جمعا پیرمردی هستم مانند دسته‌کلی که تازه شکفته است.



حسن فرازمند

واکوی سرگذشت واقعی رادیو در ایران - ۹

مخاطرات خواندن يك متن رادیویی

معیت زاهدی‌ها (پدر و پسر) به سر می‌برد، از طریق طباطبایی به من اطلاع داد که: «جایی نرو تا یک اتومبیل جیب بیاید و تو را سوار کند.»

همان‌طور که گفتم، هنوز نگران و سرگردان و از آینده خود بیمناک بودم. چند دقیقه بعد، افسری با یک جیب ارتشی آمد و مرا به محل رادیو در میدان ارگ برد. دکتر شروین، مصطفی کاشانی و میراشرفی آنجا حضور داشتند و هر کدام مطالبی را از میکروفون رادیو عنوان می‌کردند تا اینکه فضل‌الله زاهدی با عده‌ای وارد استودیو شدند. زاهدی به محض ورود، خطاب به من گفت: «رضا، میکروفون را بگیر و بگو اینجا تهران است.»

من هم انجام وظیفه کردم و گفتم: «اینجا تهران است. من رضا سجادی هستم. تیمسار زاهدی تشریف آورده‌اند. در این موقع، میراشرفی میکروفون را از دست من گرفت و با لحنی تند شروع به بیان مطالبی کرد. هنوز چند جمله نگفته بود که زاهدی میکروفون را از دست او گرفت و با اشاره به مصطفی کاشانی، از او خواست مطالبی بگوید. او هم نزدیک به ۱۵ دقیقه، خیلی متین و بدون کوچک‌ترین اهانتی صحبت کرد. وقایع آن روزها به صورت مقاله، رساله و کتاب چاپ و منتشر شده؛ اجازه بدهید از توضیح بیشتر خودداری کنم.

در کابینه دکتر اقبال چه می‌کردید؟ روابط شما با دکتر اقبال چگونه بود؟ — وقتی که دکتر اقبال رئیس دانشگاه شد، رضا جعفری که در کابینه زاهدی وزیر فرهنگ بود، ابلاغ ریاست او را امضا نمی‌کرد. دکتر اقبال هم که از قدیم روابط بسیار نزدیکی با من داشت و قرار بیشتر ملاقات‌های او با افراد در منزل من انجام می‌گرفت، از من خواسته بود که پیش جعفری بروم و ابلاغ او را بگیرم. یک روز پیش جعفری رفته و ابلاغ ریاست دانشگاه را برای دکتر اقبال گرفته و به او دادم.

زمانی که مصمصام استاندار کرمان بود، وقتی به تهران آمده بود و قرار بود من برای صرف ناهار به منزلش بروم، به دکتر اقبال تلفن کردم؛ چون می‌خواستم او را ببینم. گفت: «در منزل مصمصام همدیگر را خواهیم دید.»

آن روز مصمصام مهمانان دیگری هم داشت. دکتر عبدالحسین راجی و دکتر علی و کیلی آنجا بودند. دکتر اقبال هم قبل از صرف غذا به جمع

در شماره‌های اخیر، دو قسمت از گفتگوی سید رضا سجادی، نخستین گوینده رادیو ایران را برایتان نوشتم و در این شماره نیز به دلیل مستند بودن مطلب و اهمیت آن، بقیه این گفتگو را برایتان عیناً و بدون هیچ دخل و تصرفی می‌آورم. از آنجا که آقای سجادی داشت می‌گفت:

در یکی از آن روزها، ساعت حدود ۹ صبح بود که قوام السلطنه دستور داد سرلشکر مهدقلی علوی مقدم، فرماندار نظامی با او ملاقات کند. پس از حضور علوی مقدم، قوام السلطنه به او دستور داد: «فورا سید ابوالقاسم کاشانی را به مسئولیت من بازداشت کنید.» این مطلب را در حضور جمعی که آنجا بودند، و من هم از جمله آنان بودم، گفتم.

در همین ساعات، افرادی از خارج وارد خانه قوام می‌شدند و می‌گفتند شهر شلوغ است. ساعت ۱۰ صبح علوی مقدم وارد اتاقی شد که نخست‌وزیر با عده‌ای دیگر نشسته بودند و پس از ادای احترام نظامی، گفت: «قران، شرفیاب شدم و به عرض رساندم. اعلیحضرت فرمودند قدری تأمل کنید.» قوام السلطنه، در حالی که خون در رگ‌هایش جمع شده بود، با فریاد گفت: «تو... خوردی دستور مرا به عرض رساندی. مسئولیت با من است. از این پس خودشان بقیه کارها را انجام دهند!»

بعد هم رو به اکبر خان کرد و گفت: «لوازم مرا بردار تا به خانه متعمد السلطنه بروم.»

پس لباس خود را پوشید و به منزل برادرش در شمیران رفت و ساعت ۱/۵ بعد از ظهر همان روز استعفاي خود را نزد شاه فرستاد. بعد هم به طوری که می‌دانید، وقایع سی‌تیر پیش آمد. شاه استعفاي قوام را پذیرفت و دکتر مصدق مجدداً به نخست‌وزیری منصوب شد.

در مورد واقعه کودتای ۲۸ مرداد و فعالیت‌های خود در دوران نخست‌وزیری سپهبد زاهدی توضیح دهید.

— چند روز قبل از ۲۸ مرداد، وحشت من زیادت‌ر شده بود. به همین دلیل با عده‌ای در محلی واقع در خیابان تخت جمشید، در زیرزمین رستوران لوکولوس، به سر می‌بردم. روز ۲۸ مرداد در ساعت ۶ صبح به ما خبر دادند که محل خود را ترک کنید. من هم که خانه و کاشانه‌ای نداشتم، از آنجا به منزل آقا احمد طباطبایی که از دوستان نزدیک بود رفتم. ساعت ۱۱ صبح دوست نزدیکم سرهنگ رضا زاهدی، که بعدها سپهبد هم شد و همیشه در



سپهر رضا سجادی - اولین گوینده رادیو

گفت و گو با مترجم کتاب «۱۰۱ باید در مسیر هنرمند شدن»



● سمانه محمدعلی

بنیادی‌ترین آموزه‌ها در هنرهای تجسمی

که خود را در برابر آموزش دقیق فنون هنری و مهارت‌آموزی به هنرجویان مسئول می‌پندارد. با این همه آن‌چه در سراسر کتاب بازنمایی یافته، تأکید بیشتر مولف بر موضوع صورت (فرم) و فرایند هنری است. با این‌که «هنر یکسره سیاسی است» اما همین موضوع سیاسی «کاملاً بی‌فایده» قلمداد شده است. چندگانه‌گی این روایت‌ها در دل گفتمان منسجم درون اثر همچون شاخه‌هایی که از یک بدنه واحد رویده‌اند، ادراک پذیر هستند.

* نویسنده برای به تحریر در آوردن این شیوه‌ها از کدام زاویه به آثار هنرمندان دیگر نگاه کرده است؟

مولف با نگاهی نقادانه نسبت به تاریخ هنر دست به انتخاب آثاری زده که به طور مستقیم یا ضمنی و یا حتی به شکلی کنایه‌آمیز به موضوع مورد بحث او اتصال می‌یافتند.

* چرا در این کتاب به تأمل بر انگیز ترین بحث که خلاقیت ذاتی یک هنرمند است پرداخته نشده است؟

مولف کتاب بیش از موضوع خلاقیت ذاتی به بحث پیرامون فرایند، تجربه و اجرای هنری تمایل دارد. می‌توان این‌گونه پنداشت که خلاقیت در مقام امری اصیل و ذاتی در چهارچوب فکری او برای این کتاب جایی نیافته. تصور خلاقیت ذاتی برای هنرمند ما را به سمت تصویری رمانتیک از هنرمند پیش می‌برد که با ایده فردیت و اصالت وجود اثر هنری به عنوان حاصل کار و تجربه هنرمند و نه چیزی الهام شده به او در منافات است.

* در پایان حقیقتاً از دیدگاه شما با طی کردن ۱۰۱ قدم این کتاب راهی برای هنرمند شدن پیش روی افراد باز می‌شود؟ یا اینکه هنر اصیل محصول جوشش درونی خلاقیت آدمی است؟

من به درون در مقام آینه و یا سازمان دریافت الهامات باور ندارم. آن‌چه از نگاه من درون یک هنرمند است تصویری است که او بر مبنای شناخت شخصیت‌ها، قابلیت‌ها و محدودیت‌های خود بر ساخته است. هنرمند دروازه درون را می‌گشاید نه برای آن‌که منبع نور را بیابد بلکه پله‌هایی را خواهد یافت که او را به درون زیرزمینی رموز مملو از خاطرات، آرزوها و رانه‌ها پیش خواهد برد.

این صدویک گام به نظرم مقدمه‌ای خواهد بود برای نگاه نقادانه به جهان و رسیدن به ادراک امکان تبدیل وقایع به رخ‌دادهای هنری.

آموزگاران هنر می‌کوشند تا از طریق آموزش سواد بصری هنرآموزان را در دستیابی به این ابزار یاری کنند. هنرمندان نیز از زبان بصری برای گفتگو با مخاطبین استفاده می‌کنند. «۱۰۱ باید در مسیر هنرمند شدن» نه تنها اصول اولیه زبان رسمی دنیای هنر را می‌آموزد بلکه روش‌هایی عملی برای ایجاد و شکل‌دهی به ایده‌های هنری ارائه می‌دهد.

در نگاه اول، آموزگاران هنر و هنرجویان مخاطبین اصلی کتاب به‌نظر می‌رسند، با نگاهی عمیق‌تر اما آن‌چه در راستای رسیدن به ادراک هنری ارائه می‌شود هر بیننده‌ای را در مسیر بینش هنری قرار می‌دهد. فهم و تحلیل آثار هنری روش فکر کردن با چشم است. دارندگان این بینش همچنان که قادر به کشف زیبایی‌اند می‌توانند خیالی دلپذیر را جایگزین پلشتی‌های جهان کنند.

مولف اثر که خود از اساتید برجسته نقاشی معاصر است برای هر یک از گفتارهای کتاب تصویری طراحی کرده است. عمده این تصاویر اقتباسی است از آثار شاخص تاریخ هنر، کشف پیوستگی میان تصاویر و متن کمک شایانی به فهم مضامین کتاب کرده همچنین تعمق در ویژگی تصاویر، اولین گام در جهت تحلیل و تفسیر شخصی از آثار هنری خواهد بود.

* ۱۰۱ باید این کتاب از کجا وام گرفته شده است؟ از زندگی و آثار بزرگان هنر؟

گزاره‌های این کتاب را در دو بخش می‌توان دسته‌بندی کرد، گروهی به مفاهیم بنیادی هنر یا حتی امور فلسفی می‌پردازند و نگاهی بیرونی به مفاهیم و چهارچوب‌های هنری دارند و دسته دیگری از آن‌ها به شرح امور عملی تر همچون پرسپکتیو و یا دایره رنگ می‌پردازند. درباره تصاویر کتاب که تمامی آن‌ها را «کیت وایت» خود ساخته است، یک دسته، یادمان‌های مهمی از تاریخ هنر همانند اثر مارسل دوشان، جسر جونز، روتکو، پیکاسو و دیگران است و بخش دوم را تصاویری دربر گرفته که «کیت وایت» خود به فراخور تبیین موضوع طراحی کرده است. در این میان یک اثر انتزاعی از خود او نیز به چشم می‌خورد. تمامی این دو دسته، به شکلی منسجم و با یک تکنیک ثابت طراحی ساخته شده‌اند. وجود آن‌ها نه تنها انسجام کتاب را بهبود بخشیده بلکه به فهم و تعمیق بیشتر هر گزاره نیز کمک شایانی کرده است.

* لطفاً توضیح دهید شیوه‌های کاربردی ارائه شده در این کتاب کدام یک فنی و تکنیکی، کدام یک مادی و عینی و کدام یک ذهنی و انتزاعی است؟

آن‌چه در این اثر ارائه شده راه‌کارهایی اساسی برای طیف گسترده‌ای از مسائل، از ایده و نگاه به جهان تا ساخت رنگ و ادراک فضا و پرسپکتیو را شامل می‌شود. مسائلی که هریک گاه چندین عنوان درسی را در رشته‌های دانشگاهی هنر شامل می‌شوند، در این جا ذیل بخش‌های فشرده در پنج سطر تبیین شده‌اند. این فشرده‌گی امکان بسط و تشریح به کمک آموزگار و همچنین دست‌یابی به لایه‌های معنایی متعدد و عمیق‌تر را در صورت مکتب و تأمل، برای مخاطب فراهم می‌آورد.

* نویسنده برای ارائه این شیوه‌های کاربردی تحت تأثیر کدامیک از مکاتب هنری بوده است؟ همان‌طور که از انتخاب اولین تصویر برای کتاب برمی‌آید، مولف بیشتر به هنر مدرن و جریان معاصریت توجه دارد، هر چند

اصیل خلق اثر هنریست در نظر گرفته نشده است. در ادامه این یادداشت برای آشنایی بیشتر خوانندگان با کتاب «۱۰۱ باید در مسیر هنرمند شدن»، به گفت و گو با «کیوان خلیل نژاد» مترجم این کتاب پرداخته ام و از او درباره مهم‌ترین بخش‌ها و فرازهای کتاب و پرسش‌های احتمالی خوانندگان این کتاب پرسیده ام که از نظر می‌گذرد:

* برای شروع، مخاطبان را با سوابق پژوهشی و تخصصی خودتان آشنا کنید.

من در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در رشته پژوهش هنر تحصیل کرده‌ام و در حرفه پژوهش، نقد و تدریس هنر مشغول فعالیت هستم. حوزه‌های نقدهنری، هنر مدرن و پسامدرن و همچنین رویکرد اسطوره‌شناسانه در نقد ادبی را به‌صورت تخصصی دنبال می‌کنم و چند سالی است که مشغول تدریس دروس نظری گروه‌های مختلف هنر در مراکز دانشگاهی هستم.

* تعریف شما در جایگاه یک پژوهشگر هنر، از هنر و هنرمند چیست؟

برای رسیدن به تعریفی منسجم از هنر ابتدا می‌بایست حقیقت تاریخ‌مندی این مفهوم را در نظر آورد. بدین معنا که در طول تاریخ هم‌معنای هنر، همین طور مفاهیم و اشیایی که به این واژه نسبت داده شده‌اند دستخوش نوسان و تغییر شده‌است، همچنین چهارچوب ذهنی این مفهوم نیز تطوری تاریخی را از سرگذرانده و با تغییر این مفهوم، هنرمند به عنوان عامل فاعلی آن نیز دگرگونی را پذیرفته است. ماهر، فاضل و استادکار بخشی از جنبه‌های هنرمند هستند که به‌طور سنتی هم‌راستا و هم‌عرض با او قرار می‌گیرند.

بافر نظر گرفتن تمامی این پیچیدگی‌ها و تغییرات، کار هنری همواره به عنوان محصول بی‌واسطه فرهنگ حدود سی‌هزار سال بخشی جدایی‌ناپذیر از حیات مادی و فرهنگی بشر بوده است. هنر تجربه‌ای انسانی و انسان ساز است. هنر فرایند یا محصول نهایی فرایندی است که انسان یا نهادی انسانی آن را هنر قلمداد می‌کند.

* بی‌تردید انتخاب‌های مختلفی برای ترجمه پیش روی شما وجود داشته، چرا این کتاب را برگزیدید و هدفتان از ترجمه این اثر چه بوده است؟

من به شکل حرفه‌ای در قالب یک مترجم تعریف نمی‌شوم. آن‌چه به عنوان پیش‌ران انگیزشی سبب شد تا این کتاب را برگردانم ایده‌های درون کتاب است. ایده معاصر پیدایی مدارس هنر و بحث‌ها و نقدهای جدی که قاعدتاً می‌بایست در چنین فضایی شکل گیرد برای من بسیار شگفت‌انگیز می‌نمود. می‌دیدم آن‌چه مدنظر نگارنده تحت عنوان «مدرسه هنر» وجود دارد نه در هنرستان‌ها و نه در دانشگاه‌های هنری در ایران محقق نمی‌شود پس نام کتاب را از «صد و یک موضوع آموختنی در مدارس هنر» به «۱۰۱ باید در مسیر هنرمند شدن» تغییر دادم. از واژه «باید» در عنوان تازه استفاده کردم زیرا بیش از هر چیز آن‌چه در لحن کتاب به چشم می‌خورد فضای آمرانه و معلمانه نگارنده کتاب است که خودآموزگار هنر و نقاشی معاصر است.

* این کتاب کاملاً یک کتاب کاربردی و پراتیک است. آیا برداشت شما به عنوان مترجم با من که خواننده این کتاب هستم متفاوت است؟

«۱۰۱ باید در مسیر هنرمند شدن» مجموعه‌ای از گزین گفتارها است. نوشتاری فشرده و کارساز که گام به گام مخاطب را برای ورود به دنیای هنر مهیا می‌سازد. زبان رسمی دنیای هنر «زبان تصویر» است.



کتاب «۱۰۱ باید در مسیر هنرمند شدن»، ترجمه «کیوان خلیل نژاد»، در سال ۹۷ توسط انتشارات «فاطمی» روانه بازار نشر شد. این مجموعه شیوه‌های فنی و تکنیکی پیرامون به‌ظهور رساندن ایده در چهارچوب یک اثر هنری است. نویسنده در یادداشت آغازین، هنر را انگاره‌ای همگانی می‌داند که در هر فرهنگی یافت می‌شود. او با پاس داشتن همین ذهنیت، هنر را بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی دانسته و مهمترین موارد برای آموزش مفاهیم و تکنیک‌های هنری را در کتاب به رشته تحریر درآورده است.

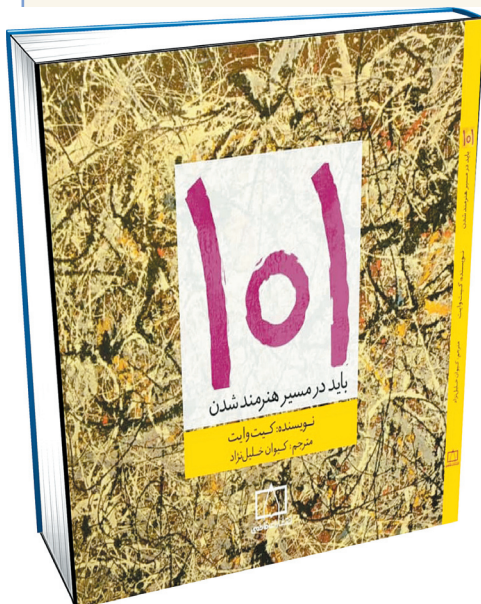
نویسنده در مقام یک آموزگار هنر اعتقاد دارد در دنیای مدرن همچنان فراگیری تکنیک‌های هنری اهمیت بسیاری در مسیر هنرآموزی دارند چرا که آگاهی داشتن از جزئیات به وجود آمدن یک اثر هنری باعث خلق تصویری متفاوت از چگونگی به‌ظهور رسیدن یک اثر هنری در ذهن صاحب اثر می‌شود. کتاب شامل تصاویری است که انتقال شیوه‌های کاربردی را با مفاهیم تئوریک آن‌ها همراه می‌سازد.

«کیت وایت» نویسنده این کتاب در ادامه یادداشت خود اعتراف می‌کند بازنمایی آثار هنری هنرمندان دیگر در این کتاب به هیچ روی جایگزینی برای آثار اصلی نیست و اینجاست که تفاوت میان اثر هنری حقیقی و یک اثر تقلیدی را بیان می‌کند.

کتاب شامل ۱۰۱ باید برای تبدیل شدن به یک هنرمند است که این گونه آغاز می‌شود «هنر می‌تواند هر چیزی باشد». در مرحله دوم آموختن طراحی که به مانند روشی است برای بیان خویشتن، مرحله سوم شناخت دنیای پیرامون مطرح می‌شود و در قدم چهارم نگارنده «هنر را محصول یک فرآیند» می‌داند. این روند تا آخرین و تأمل بر انگیز ترین گزاره ادامه پیدا می‌کند. «هر دانش آموخته هنر، هنرمندی موفق نخواهد بود». چرا که به باور من هنر حقیقی ترکیبی است آمیخته از جوشش خلاقیت ذاتی هنرمند و کوشش او در جهت به‌ظهور رساندن اثر. آن‌چه که اثر هنرمند را به اثری ارزشمند تبدیل می‌کند ایده‌های خلاقانه ذاتی است که بی‌واسطه به یک شی تبدیل می‌شوند و صاحب اثر را به هنرمندی حقیقی تبدیل می‌کند.

کتاب با بیانی سلیس و قابل فهم نردبانی با صدویک پله را ترسیم می‌کند که هنرآموز می‌بایست پله به پله آن را پیماید. در نهایت اما خواننده این اثر با این پرسش روبه‌روست که در مباحث خاص هنری پیمودن این صدویک باید از او یک هنرمند تمام عیار می‌سازد یا نه؟ اینجاست که خلا ناگفته ماندن گرایش درونی افراد نسبت به انواع هنر در این کتاب احساس می‌شود.

بنابراین اگر چه یادگیری شیوه‌های تکنیکی این کتاب می‌تواند هنرآموز را در این مسیر به جلو هدایت کند اما کتاب‌هایی از این دست نمی‌تواند به مثابه راهگشایی صد در صد برای تبدیل شدن به یک هنرمند حقیقی عمل کنند زیرا جوشش ذاتی خلاقیت که عنصر





خطرات اجتماعی استاد امین الله رشیدی
در عرصه آواز و موسیقی

يك عمر خاطره

۱۴۰

سعدی و مَداح

شیخ بزرگوار، سعدی شیرازی، از مدح کسان بیزار است و اگر گاهی در مدح شاه یا امیری سخن گوید، سروده‌های او بیشتر حالت اندرز و تذکر و هشدار به خود می‌گیرد و حتی در یک مورد، شجاعانه خود را در منزلتی فراتر از ممدوح خود قرار می‌دهد و بر او مَنّت می‌نهد و خطاب به حاکم وقت - اتابک ابوبکر سعدبن‌زنگی - چنین می‌گوید:

هم از بخت فرخنده فرجام توست

که تاریخ سعدی در ایّام توست
که تا بر فلک ماه و خورشید هست

در این دفتر تذکر جاوید هست
خواننده این سطور می‌داند، در آن زمان که سعدی در دورانی پر آشوب همانند این زمان که خیل پناهندگان از کشورهای ناامن و بی‌قانون و عدالت‌ستیز به سرزمین‌های امن و متمدن پناه می‌برند؛ ناچار شیراز آشوب‌زده را پشت سر نهاده و مهاجروار به دیار غربت پناه می‌برد و پس از آن که سعدبن‌زنگی در پرتو عقل و درایت و قاطعیت، خطه پارس را آرام و آباد می‌کند، سعدی به ایران - شیراز - باز می‌گردد و قطعه شعر معروف زیر را می‌سراید:

ندانی که من در اقلیم غربت

چرا روزگاری بکردم درنگی
برون رفتم از تنگ ترکان که دیدم

جهان درهم افتاده چون موی زنگی
همه آدمی زاده بودند، لیکن

چو گرگان به خون خوارگی تیز چنگی
چو باز آدم، کشور آسوده دیدم

پلنگان رها کرده خوی پلنگی
چنین شد در ایّام سلطان عادل

اتابک ابوبکر سعدبن‌زنگی
اما زمانی که می‌خواهد از اتابک ابوبکر سعدبن‌زنگی

- برگزارکننده نظم و آسایش - به تعریف و تمجید پردازد،
مدح او حالتی دیگر به خود می‌گیرد و همان‌طور که قبلاً

آمد، بر او منت می‌گذارد که:

هم از بخت فرخنده فرجام توست

که تاریخ سعدی در ایّام توست!
و در جایی دیگر نیز پادشاه وقت - سعدبن‌زنگی - را

حکیمانه مورد خطاب قرار داده می‌گوید:

به نوبت‌اند ملوک اندر این سپنج سرای

کنون که نوبت تست‌ای ملک به عدل گرای
به تیغ تیز گرفتند جنگجویان مُلک

تو بَر و بحر گرفتی به عدل و حکمت و رای
نگویمت چو زبان آوران رنگ‌آمیز

که ابر مشگ فشانی و بحر گوهرزای
و در مدح امیری دیگر:

جهان بر آب نهاده است و آدمی بر باد

غلام هَمّت آنم که دل بر او ننهاد
گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم

وَرّت نصیب نیفتد چو سرو باش آزاد

همی نصیحت من گوش دار و نیکی کن

که دانم از پس مرگم کنی به نیکی یاد
نگویمت به تکلف، فلان دولت و دین

سپهر مجد و معالی، جهان دانش و داد
یا خطاب به امیر «انکیانو» می‌گوید:

چون زبر دستیت بخشید آسمان

زیردستان را همیشه نیک‌دار
عذرخواهان را خطا کاری ببخش

زینهار را به جان ده زینهار
از درون خستگان اندیشه کن

وز دُعای مردم پرهیز کار
پادشاهان را ثنا گویند و مدح

من دعائی می‌کنم درویش‌وار



سید رضا صائمی

درباره دومین جشنواره پویا نمایی و برنامه‌های عروسی

موج شادی روی خط کرمانشاه

استان کرمانشاه برگزار می‌شود و از ۱۵ تیر در بیش از ۱۰ شهر و شهرستان کرمانشاه، به خصوص در مناطق زلزله زده، بانی و برگزار کننده این هفته فرهنگی خواهند بود.

حضور چهره‌های هنری استان نیز در برگزاری این هفته پررنگ خواهد بود که این برنامه نیز در کنار جشنواره هم کارکرد تبلیغی و اطلاع‌رسانی دارد و می‌تواند توانمندی‌های استان را در بخش‌های فرهنگی و هنری به نمایش بگذارد. ضمن اینکه به گسترش و بسط نشاط و شادی جمعی در این مناطق کمک خواهد کرد که با توجه به فشارهای روحی ناشی از تجربه زلزله، این فضا می‌تواند به نوعی غم‌زدایی در منطقه کمک کرده و در احیاء و بازتوانی روحی و روانی مردم منطقه نقش بسزایی داشته باشد.

در واقع انتخاب کرمانشاه برای برگزاری دومین جشنواره پویانمایی که با هدف توجه به روحیه جمعی، به ویژه ضرورت بازگشت نشاط و امید به کودکان این منطقه، صورت گرفت؛ یک انتخاب هوشمندانه‌ای است که خلاقیت و اخلاقیات را توأمان دارد و می‌تواند موجی از نشاط و شادی و امید را در کودکان و نوجوانان این استان ایجاد نماید.

از سوی دیگر، برگزاری جشنواره پویانمایی

فارغ از کم و کیف جشنواره پویانمایی و برنامه‌های عروسی که در سال گذشته، نخستین دوره خود را تجربه کرد، راه اندازی این جشنواره و توجه صدا و سیما به این موضوع، خود یک حرکت ارزشمند در جهت ظرفیت‌آفرینی و بسترسازی برای توجه به این مقوله هنری - رسانه‌ای و تبدیل شدن این جشنواره به کانونی برای جذب همه کسانی است که به صنعت انیمیشن یا نمایش‌های عروسی علاقه‌مندند.

اتفاقاً این حوزه از هنر نمایشی، علی‌رغم ظرفیت‌هایی که دارد؛ چنان‌که شایسته است، مورد بهره‌برداری قرار نگرفته و حضور چنین جشنواره‌ای می‌تواند بهانه‌ای برای توجه به این مقوله باشد. اساساً یکی از کارکردهای جشنواره‌ها جهت دهی، ایجاد انگیزه و شناخت استعدادها و تربیت آنها با توجه به محورهای جشنواره است.

خوشبختانه امسال شاهد اتفاق و انتخاب خوبی در برگزاری دومین دوره جشنواره پویانمایی رسانه ملی هستیم و آن هم انتخاب کرمانشاه به عنوان محل برگزاری جشنواره است. با توجه به اینکه کودکان کرمانشاهی در سال‌های اخیر، تجربه تلخ زلزله و آوارگی‌های آن را داشتند، برگزاری این جشنواره که اتفاقاً مخاطب اصلی آن کودکان هستند، فرصتی برای ایجاد شادی و نشاط در این



صنعت پویایی‌نمایی در کشور ما جانی تازه بگیرد. خوشبختانه امسال بخش تولیدات عروسی هم به جشنواره اضافه شده که چه بسا بتواند تا مرز ایجاد نهضت تولیدات عروسی پیش برود.

واقعیت این است که جای برگزاری چنین جشنواره‌ای همیشه خالی بود و دلسوزان این فن و هنر، همواره بر ضرورت برگزاری آن تأکید می‌کردند. حالا به نظر می‌رسد که در دومین دوره برگزاری جشنواره پویا نمایی و تولیدات عروسی، این جشنواره به خوبی شناخته شده و استمرار در برگزاری آن می‌تواند برکات زیادی برای این هنر - صنعت در کشور ما داشته باشد.

قطعاً امسال برگزاری جشنواره در کرمانشاه زیبا با توجه به حوادث و بلاهای طبیعی که در آن رخ داده، حس و حال این جشنواره را بانشاط‌تر خواهد کرد و پویایی بیشتری به جشنواره پویانمایی خواهد بخشید.

می‌تواند به شکل‌گیری رقابت‌سازنده و شناسایی ظرفیت‌ها و ظرفیت‌های ملی در این زمینه که قابل سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری عمومی باشد، طراحی شده که محصول آن در بلندمدت می‌تواند احیای هنر و صنعت پویانمایی و تولیدات عروسی در کشور باشد.

با توجه به اینکه سینمای کودک و نوجوان ما طی دو دهه اخیر، از پویایی لازم در این زمینه برخوردار نبوده و شاهد نوعی انفعال و سکون در این زمینه بودیم؛ جای این امیدواری هست که صدا و سیما با برگزاری این جشنواره بتواند حرکتی در جهت پویایی و فعالیت بیشتر و خلاقانه‌تر پویا نمایی و تولیدات عروسی ایجاد کند. ضمن اینکه تلویزیون خاستگاه اصلی تولید و پخش محصولات این صنعت بوده و چه بسا خودش هم باید در جهت احیای دوباره آن پیشقدم و پیشروتر از بخش‌های دیگر باشد.

منطقه ایجاد می‌کند. ضمن اینکه در رشد و توسعه استان کرمانشاه هم نقش مستقیمی دارد.

استان کرمانشاه، یکی از جاذبه‌های سیاحتی و قطب‌های گردشگری در کشور است که برگزاری این جشنواره در این استان می‌تواند مخاطبان جشنواره و بالتبع مردمی را که از طریق رسانه‌ها در معرض اخبار و رویدادهای این جشنواره قرار می‌گیرند با این جاذبه‌ها آشناتر کرده و به رونق گردشگری و اقتصاد توریست در این منطقه کمک کند.

همچنین حضور هنرمندان شرکت‌کننده در این جشنواره از یک سو و حضور خبرنگاران و اهالی رسانه که برای پوشش خبری جشنواره به این استان می‌آیند، فرصت خوبی است که می‌تواند به پویایی بیشتر جشنواره پویا نمایی و ایجاد نشاط و شادی، به ویژه در کودکان این استان، خاصه کودکانی که طعم تلخ زلزله را چشیده‌اند، کمک کند.

طبق سخنان دکتر دارابی، معاون امور

با شاعران امروز

شاعر سپید نویس



«سجاد گودرزی» از شاعران شناخته شده روزگار ماست که سپید می نویسد. از او تا کنون چهار مجموعه شعر منتشر شده که عبارتند از: «سیاهه مسیرها»، «جنبش تن باکو»، «چل چلی» و «سی زن». چند شعر از او را می خوانیم:

(۱)

خودم را زده‌ام به نهنگ شدن
و افتاده‌ام به دوره کردنِ ساحل‌ها
به ...
به گل نشستن
خودت را زده‌ای
به خون و خورشید و خرما
خودشان را زده‌اند
به آی آدم‌ها
به سبک‌بارانِ ساحل‌ها...

(۲)

گندم را
برای کبوتران بی گنبد رشت بپاش
کبوتران لامذهبی که تو را نمی‌شناسند
میرزا را نمی‌شناسند
آقای قاسمی که دوست دارد کلاه گشادی سر همه بگذارد
را نمی‌شناسند
بوی ماهی دودی را
کز کردن در گوشه میدانِ شهرداری
برای فروش خوشه‌های برنج از ساقه جدا نشده را
نمی‌شناسند
گرچه درون تو را نمی‌شناسند
کنار آمدن با خشک و تر همسایه
که ساخته با سوخته را نمی‌شناسند
حلال زادگی ات که به دایه رفته‌ات رفته
را نمی‌شناسند
و خیره می‌شوند به کوله پستی داست
که آدی‌اش را پاک کرده‌ای و خوشه‌های برنج را با آن
برای فروش می‌بری
و خیره می‌شوند به تنوی زیر لاله‌ی گوشت
که احتمال می‌دهند بارکد باشد
این را نمی‌دانم چند جوان که یکبار از کنارت رد شده‌اند
گفته‌اند

یا یک جوان که چند بار از کنارت رد شده
و خیره می‌شوند به تو که نه بلند بالایی نه لوند
و نمی‌توانند رد شوند از رطوبت
که به خشکی برسند
و تو را نمی‌شناسند
که هر روز استفتاء نکرده بر زین مرطوب می‌نشینی
کمی گندم می‌خوری
و گم می‌شوی
درعکس نمذاری
که تمام صفحات اینستاگرام را درنوردیده
و تو را که گمت کرده‌اند نمی‌شناسند
و تو را که گم نشده‌ای نمی‌شناسند
(۳)

گلستانی از تبر بر من گذشت
به جرم دستی
که بر شانه‌های تو
جا گذاشته بودم
طعمه‌ای از گردنی بلورین
برای دشنه‌ای که
خدای او تشنه‌ی دی کردن است
زنگ‌ها برای تو به صدا در می‌آیند
و درِ بسته نیست
که کسی از پشت
پیراهن تو را چاک دهد
تا از قربانگاه دلخواهت بگریزی

نگاهی به مجموعه شعر «زنی میان دو تاریکی» سروده فرناز جعفرزادگان



یدالله شهرجو

به رسم همه زن‌های دنیا

غافلگیری محسوب شود. سمت‌وسوی شعرها برای شکل‌گیری و رسیدن به معنا و ساختمانی منسجم، این انتظار را در مخاطب ایجاد می‌کند که شاعر در عین رفتار ساده، گاهی با معنی و زبان در شعرهایش به عمق بزند و ترسیم معنا را در سطح رقم نزند: «سال‌ها/با ادیب/سریک سفره‌نان می‌خورد/او که /عقده‌ها را با گره ای کور/به عقد خود درآورد/حقارت/آویزان چشم‌های مردی است/که تاریکی را/با خود به دوش می‌کشد.» (ص ۵۴)

در این شعر کوتاه، شاعر هم «ادیب»، یکی از پادشاهان افسانه‌ای برگرفته از اساطیر یونان را به‌عنوان شخصیت و چهره‌ی محوری برگزیده و هم در شکل‌گیری و بسط معنا به «عقده‌های کور، حقارت و آویزان چشم‌های مرد» اشاره کرده و به شیوه‌ی داستان‌روایت، آنچه درباره‌ی این چهره‌ی افسانه‌ای در اساطیر یونانی به آن اشاره شده، به تصویر کشیده است.

در این شعر نیز شاعر همین روش را در پیش گرفته و با استفاده از زبان آرکائیک، یافت معنایی شعر را چنین رقم زده است: «سکوت را/به دیدار کشم/تا از گانیسم کلمه/با دیالکتیک تاریخ/در سنتز فکر اسپینوزا/دکارت/کانت/هگل/و... تنها بماند/و تمام فلاسفه را/به ضیافت افلاطون/دعوت کنم/...» (ص ۵۶)

ساده‌انگاری در خلق معنا و شکل‌گیری زبان؛ شاید برگ برنده‌ی مجموعه «زنی میان دو تاریکی» زبان یکدست آن بود؛ هم در حوزه معنا و هم در شکل و ساختمان زبان. اما برخی شعرها و در مقیاس کوچک‌تر بعضی سطرها، این امتیاز را از آن سلب کرده است.

شاعر در برخی از شعرها گویی برای خلق معنا و شکل‌گیری زبان، وسواس همیشگی‌اش را کنار گذاشته و روند یکدست‌بودن مجموعه را مخدوش کرده است: «همیشه /کودکی در من می‌دود/تا آن نقطه/که نیست/میان آرزوهای/که در بعد شکل گرفت/شکل‌های بعد از حرف/حرف از چشم نقطه می‌افتد /می‌ماند/میان بعدهای سردرگم/همیشه کودکی در من...» (ص ۱۶)

گرچه شاعر در سطرهای میانی تلاش کرده است شعر را از فرورفتن به ورطه‌ی ساده‌نویسی و سطحی‌بودن نجات دهد؛ ذهنیت کلی که بر شعر سایه افکنده، فراتر از مرز سادگی پیش نمی‌رود. در این شعر نیز تنزل زبان و معنی برای روایت شعر، در سطحی حیرت‌آور دیده می‌شود: «چمدان /چه می‌دانی/فرق بین دست‌های مسافر/تا دست‌های انتظار/وقتی میدانی نباشد/تا

«زنی میان دو تاریکی»، عنوان مجموعه شعر جدید فرناز جعفرزادگان است که در ابتدای سال جاری، انتشارات «مروراید» آن را چاپ و منتشر کرد. مجموعه‌ای که در کنار بهره‌گیری از زبانی ساده در بیشتر شعرها، در برخی از شعرها تلاش شاعر را برای استفاده از کهن‌الگوها و زبان آرکائیک می‌بینیم. قرار گرفتن شعرهایی با چنین ویژگی در بین دیگر اشعار این مجموعه، باعث شده است اثر جدید این شاعر را در زمره‌ی آثاری به‌شمار نیاوریم که تنها ابزار شاعر، ساده‌نویسی صرف است.

جست‌وجوی معنا به شیوه‌ی زبانیست: زبانیست یا رساله‌ی زبانیست درواقع بیانیه‌ی دکتر براهنی در دهه‌ی هفتاد است که سمت‌وسوی شعر و شاعران را به بهره‌گیری از ظرفیت‌های بیشتر زبان معطوف می‌کرد. از نکته‌های درخور توجه این مجموعه، بهره‌گیری از ظرفیت بوده است. در شعرها و سطرهای گوناگونی از کتاب، آنچه به‌منزله‌ی معنا تلقی می‌شود، بهره‌گیری از شیوه‌ی دال و مدلول‌های رایج برای رسیدن به معنایی خاص نیست.

شاعر با عبور از این شیوه، ظرفیت‌های دیگر زبان را به کمک می‌گیرد تا خلق معنی کند: «دیدن حروفی/که روی آب راه می‌روند/و برایش کف می‌زنند/کف که از دهان حرف بیافتد/خستگی/کز می‌کند کنجی/می‌ماند/میان پیچ‌پچ‌های روزمره‌ی حراف» (ص ۱۵)
در سطر «برایش کف می‌زنند»، واژه «کف» بخشی از فعل مرکب «کف می‌زنند» است که تفکیک‌پذیر نیست و نقش دستوری‌اش نیز در مجموع فعل محسوب می‌شود؛ اما در سطر «کف که از دهان حرف بیفتد»، واژه «کف» اسم است که نقش دستوری «نهاد» را پذیرفته است. به این ترتیب، شاعر از آشنایی‌زدایی در مواجهه با واژگان و نحو آنها در جمله‌بازها استفاده کرده است: «تن‌ها/عبور ماشین‌ها را تماشا می‌شوند/چارراه چاره‌ای ندارد/چار راه...» (ص ۳۱)

در این شعر نیز بهره‌ی معنایی از واژه «تن‌ها» دوگانه‌ی غافلگیرکننده‌ای است که کشف آن برای مخاطب، لذتی عمیق دارد و در ادامه‌ی سطر نیز همین گزینه‌ی معنایی برای دو واژه «چارراه» و «چاره» اتفاق افتاده است. شاعر در این مجموعه از این نمونه‌ها بسیار استفاده کرده است.

استفاده از کهن‌الگو و زبان آرکائیک: رفتار شاعر مجموعه «زنی میان دو تاریکی» با حوزه‌ی زبان و معنا در شعرهایش چنان نیست که انتظار حضور زبان آرکائیک،



دری که بسته شده

سیده‌زهرا بصارتی |

که برگ آخر تقویم را ورق بزنی
مگر سری به من این دور مستحق بزنی
منی که جیغ کشیدم تمام شعرم را
که بی بهانه بیایی و تق و تق بزنی
دری که بسته شده تا همیشه تاریخ
«دری که کوبه ندارد» و... بی رمق بزنی
یکی دوییک از آن شعرهای مرد افکن
و بعد مثل همیشه «تو» حرف حق بزنی
جهان پر است، پُر از ازدحام دست تو و
طلوع حادثه‌ای که مرا ورق بزنی

منم

بهر روز آوِ رزمان |

مانده به پای وعده وعید شما ... منم
دل‌بسته سیاه و سفید شما ... منم
این سان که صبر می‌کنم اندر فراق‌تان
روزی هزار بار شهید شما ... منم
دیگر مراد من نفسِ بایزید نیست
عطار را بگو که مرید شما ... منم
بگذار تا به طعنه بگویند دوستان
آن عاشقِ ندید بدید شما منم
فردا به رودهای روان می‌سپارم
امروز اگرچه سبزه عید شما ... منم





از فرمایشات ما!

• رضا رفیع

چه کتابی بخیریم یا نخیریم؟

اهمیت کتاب و کتابخوانی، به قدری واضح و مبرهن است که هر حرفی راجع به آن بزنبم، بیخود زده ایم. اگر از یک بچه دبستانی هم در خصوص کتاب سؤال کنید؛ از آن به عنوان یک یار مهربان یاد می‌کند که زیبا و خوش بیان است و پندت دهد فراوان، با آن که بی زبان است. بلافاصله نیز برای شما از «تصمیم کبری» می‌گوید که وقتی کتابش را در زیر درخت فراموش کرد و باعث خیس و خراب شدن آن شد؛ ضمن مشورت با دست اندرکاران مجموعه تلویزیونی «کبری ۱۱» تصمیم گرفت تا برای تهیه مجدد کتابش سری به نمایشگاه کتاب تهران بزند و این قدر خجالت‌زده یار دبستانی خویش نباشد که می‌مثل چوب الف بر سر ما بخورد که چرا مرا خراب کردی؟



سؤال مهمی که این میان مطرح است این است که واقعا با این گرانی موجود، چه کتابی بخیریم که پشیمان نشویم. خب باید گفت که هر کس یک علاقه ای دارد، برای همه نمی شود یک نسخه واحد تجویز کرد. مگر همه دچار یک مرض شده باشند. بسیاری هستند که سیر مطالعاتی دارند. خود بنده یک رفیق کتابخیزی دارم که تا الان، سیر مطالعاتی اش بر اساس قیمت پشت جلد کتاب ها بوده است. از پنج ریالی سابق شروع کرده و در حال حاضر دور و بر پنج هزار تومان می‌برد.

چند عنوان کتاب پیشنهادی:

از آنجا که ما خودمان یک پانمایشگاه رو حرفه ای هستیم و حتی اگر دست خالی از نمایشگاه بیرون آییم، باز به مصداق «الکتب بساتین العلماء» دلمان به همان

تماشای باغ و بوستان کتاب ها خوش است؛ از ماحصل مشاهدات و تصورات خودمان برای معرفی چند عنوان کتاب قابل خرید و خوانش، کمال استفاده را محض خاطر شما می‌بریم. یادداشت بفرمایید:

۱- **یکشنبه پولدار شوید:** این کتاب که به تازگی از زبان زرگری به زبان مادری ترجمه شده، به شما کمک می‌کند تا راه و چاه پولدار شدن سهل الوصول و سرمایه گذاری زودبازده را مثل کف دستتان بشناسید و در زندگی کم نیاورید. هرچند خودتان خیال کنید کماکان کم دارید.

۲- **آشپزی بدون گوشت:** با توجه به خواص عذیده گیاهخواری و گرانی گوشت در بازار، این کتاب به شما یاد می‌دهد که دیگر به گاو و گوساله و گوسفند و امثالهم متکی نباشید. وابستگی تا کی؟... یک آدم عاقل و بالغ نباید معطل یک حیوان زبان نفهم باشد. بگذارید دیگران بگویند که طرف دستش به گوشت نمی‌رسد، کتاب آشپزی بدون گوشت می‌خرد. خب بگویند. به درک! امروزه کلاس گیاهخواری خیلی بالاتر و چربی و کلسترولش هم پایین تر است و به نوعی با عالم روشنفکری و هنری گره خورده است.

۳- **لوزه ات را تا دسته قورت بده:** اثر سور رئال حاضر با اثرگذاری کوبنده و فرو رونده بر سیستم عصبی سمپاتیک و پاراسمپاتیک شما، به شما شیوه های کنترل خشم و عصبانیت را آموزش می‌دهد. طوری که بالاتشبییه مثل قورباغه به هنگام سربالا رفتن آب لوله منزل، بنشینید روبه روی عیال، ابوعطا بخوانید.

۴- **چگونه خود را در دل دیگران جا کنیم:** هر کسی دوست دارد که دیگران او را دوست داشته باشند. اما خیلی هانمی‌دانند که برای این منظور، چه کار باید بکنند یا نکنند. شل کردن سر کیسه، تنها یکی از راههایی است که این کتاب به شما یاد می‌دهد و می‌گوید که قبل از هر چیز، اندازه دل طرف را به دست بیاورید و سپس نفس عمیقی کشیده، با سر وارد شوید. اعتماد به نفس، حرف اول را می‌زند. حرف آخر را یا مادر عروس می‌زند یا ۱۱۰.

۵- **مرا سربکش با قیف:** این مجموعه شعر پست مدرن دربردارنده چند شعر آوانگارد جدید از جریان شعر موج نو فرامعاصر است که به راحتی با آیندگان رابطه برقرار می‌کند و فاتحه رفتگان را نیز می‌خواند. اشعار این مجموعه تاکنون در ۱۵۰ جلد کتاب تفسیری و توضیحی مورد شرح و بسط مفصل قرار گرفته که این خود نشان از چندلایگی زبان شاعر و عمق وی دارد. رفتن تا چاه عمیق نگاهت، عنوان اثر بعدی شاعر است که به زودی ترتیب نشرش داده می‌شود.

۶- **آموزش زبان در خواب:** شامل پیشرفته ترین متد و مبانی آموزشی زبان بیگانه است که به شما یاد می‌دهد تا فارغ از هزینه های هنگفت کلاسهای تافل و کالج های آموزش زبان، در حالت خواب و استراحت که فشار زیادی به شما وارد نیاید؛ به یادگیری یک زبان خارجی ناال آید. گذشت آن زمانی که بر اثر فقدان تکنولوژی، به کنایه می‌گفتند که مگر فلان چیز را در خواب ببینید!... فقط مراقب باشید که به هنگام آموزش فشرده زبان در خواب، غلت نزنید و کمتر خر و پف کنید؛ چون احتمال ایجاد اختلال در سیگنال های آموزشی هست و این خوب نیست. ممکن است قاطعی کنید.

۷- **فال ما، در قهوه:** کتاب حاضر دربردارنده جدیدترین فنون و متون طالع بینی و آینده نگری مطابق آخرین استانداردهای چینی و هندی آن است. این اثر به معرفی یک روش تازه حاصل از ترکیب موفق و هدفمند فال قهوه و کف بینی می‌پردازد که احتیاج به فنجان هم نیست. از طرف بخواهید که ته مانده قهوه خود را کف دستش بریزد و با بیرون آوردن انگشت شستش از میان سایر انگشتان به آن شکل دهد. سپس مشت طرف را باز کنید و مثل بلبل از آینده اش بگویید. حالش با خودش!



• وحید حاج سعیدی

من از انتخابات می ترسم!

گفت: نه!

گفتم: از بی اخلاقی‌های انتخاباتی و تهمت رقبا به یکدیگر می‌ترسی؟

گفت: نه!

گفتم: بالاخره ما نفهمیدیم از کجای انتخابات می‌ترسی؟ انتخابات که ترس نداره. دید و بازدیدها زیاد می‌شه، کاندیداها جواب سلام مردم را محکم تر میدن، چهار تا سفره هم این طرف و آن طرف پهن می‌شه و شب‌نشینی‌ها رونق می‌گیره!

گفت: من دقیقا از همین سفره پهن شدن‌ها می‌ترسم.

من از انتخابات به همین دلیل متنفرم!

گفتم: لطفاً ادب را رعایت کن. گفتی از انتخابات می‌ترسم، من قبول کردم ولی از انتخابات متنفرم دیگر چه صیغه ای است؟ در ثانی اگر سفره ای پهن شد و شما نگران تناسب اندام و اضافه وزن هستی، نون و ماست بخور، اصلا موقع شام بهانه بیار و بلند شو! چرا کل انتخابات رو زیر سؤال می‌بری؟

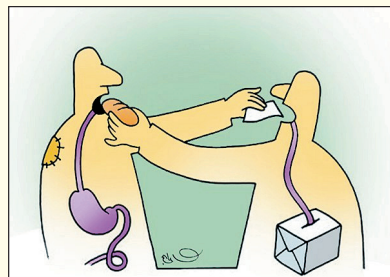
سرس را به حالت تاسف تکان داد و بدون خداحافظی از کنار پنجره رفت. من هم به اطاق برگشتم و زیر کولر آبی خوابیدم. صبح با صدای زوزه وانت بار از خواب بیدار شدم. به حیاط رفتم. چند نفر مشغول سوار کردن یک گاو در وانت بودند. به دوستم گفتم: «چه کارگر با حالی دارین. دیشب می‌گفت من از انتخابات می‌ترسم!»

با تعجب نگاهی به من انداخت و گفت: ما شباً اینجا کارگر نداریم. همه میرن خونه‌هاشون... گفتم: همون کارگری که تو اون اطاق آخریه زندگی می‌کنه.

گفت: نه اشتباه می‌کنی. اونجا طویله س. توش فقط گاو. الان هم یکی اومده گلنار رو خریده واسه جلسه و شام تبلیغاتی یکی از کاندیداها ... گلنار رابه زور سوار وانت کردند و بردند. زبان بسته در حالی که به من خیره شده بود، با چشماش می‌گفت: «من از انتخابات می‌ترسم!»

شب از نیمه گذشته بود. هوا صاف بود و سوز سردی داشت. دور همی مهتاب با ستاره‌ها از همیشه دیدنی‌تر و شفاف تر بود. صدای خرد شدن برف‌های یخزده در نیمه شب شنیدنی بود. از چند روز قبل که به منزل یکی از دوستان در روستا آمدم، دیدگاهم راجع به طبیعت عوض شد.

در حقیقت طبیعت آن چیزی که در کتاب‌ها خواندیم



و تلویزیون نشان می‌دهد نیست. طبیعت جادویی تر و وهم‌انگیز تر از رؤیا و خیال است. هوس کردم کمی روی برف‌های سفید قدم بزنم. هنوز چند دقیقه ای از برف پیمایی ام نگذشته بود که صدایی از انتهای حیاط منزل دوستم توجه مرا به خود جلب کرد. صدا شبیه به ناله توأم با درد دل بود. در روشنایی مهتاب نزدیک پنجره شدم و سلام کردم. بی آنکه جواب سلامی بشنوم، صدایی شنیدم: «من از انتخابات می‌ترسم!»

خندیدم و گفتم: «مگر شما هم کاندیدا هستی که از انتخابات می‌ترسی؟!»

گفت: نه!

گفتم: حتماً از رد صلاحیت دوستان و آشنایان می‌ترسی؟

گفت: نه!

گفتم: نگران ورود پول‌های کثیف به عرصه تبلیغات انتخابات هستی؟

گفت: نه!



دشواری نداریم!

| حسین شادمهر |

خدا را شکر دشواری نداریم

گرانی و گرفتاری نداریم
همه مردم سر کارند طوری
که اصلاً هیچ بیکاری نداریم
به سرعت پیش رفته طرح‌ها مان
که وقت بهره‌برداری نداریم
برای کار و استخدام هرگز
نه آقازاده سالاری نداریم
مدارس هم که کلاً رایگان است
کمک از نوع اجباری نداریم



تبسم و تفکر



علی درخشی

* متولد ۱۳۵۵ — تهران

* فارغ التحصیل گرافیک از دانشگاه آزاد

* آغاز کار از سال ۱۳۶۹ با طراحی کاریکاتور و طنزنویسی

* حضور در جشنواره های مختلف داخلی و خارجی و کسب جوایز متعدد

